

## تحلیلی بر بی‌ثباتی در روابط هند و پاکستان متأثر از رقابت هیدروپلیتیکی

مریم وریج کاظمی<sup>۱</sup>

### چکیده

هند و پاکستان به دلیل تحولات ناشی از مناقشات سیاسی، امنیتی، مرزی و هسته‌ای، از بی‌ثباتی و درگیری مداوم نسبت به یکدیگر برخوردار هستند و تاکنون راه‌حل جامع و کارآمدی در این خصوص عملیاتی نشده است. این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا تنش و درگیری هند و پاکستان تحت تاثیر مستقیم مسائل هیدروپلیتیکی منطقه مورد مناقشه جامو و کشمیر قرار دارد؟ با توجه به این موضوع که منطقه جامو و کشمیر از مهمترین مناطق آسیای جنوبی به دلیل سرمنشاء رودهای دائمی و بزرگ است و بعنوان نبض موجودیت زیستی هند و پاکستان معرفی می‌شود، لذا پتانسیل‌های درگیری و بحران بطور مستقیم به کنترل و نظارت بر منطقه استراتژیک جامو و کشمیر مرتبط است. از این رو حاکمیت تفکرات هیدروپلیتیکی و همچنین ژئوپلیتیکی مرتبط با آب از طریق دخل و تصرف در استراتژی‌های اقتصادی، انرژی، امنیتی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و ... شکل پیچیده‌ای از بحران و تنش را در روابط بین دو کشور بوجود آورده است که می‌تواند قلمروهای سیاسی هند و پاکستان را دستخوش تغییرات اساسی نماید و پیامدهای خشونت‌آمیز مناقشات افراط‌گرایی و تروریستی را به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی: هیدروپلیتیک، جامو و کشمیر، هند، پاکستان، سد آبی

<sup>۱</sup> دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران mariamverijkazemi@gmail.com

## مقدمه

ویژگی‌های توپوگرافیک و جغرافیایی منحصر به فرد هر کشوری، می‌تواند امتیازات سیاسی و اقتصادی و حتی نوعی رقابت و هژمون‌خواهی را برای تسلط بر منابع طبیعی شکل دهد که در هر دو حالت نقش آفرینی بحران و تنش در فضای پیرامونی واحدهای سیاسی اجتناب‌ناپذیر است. بدین ترتیب هند و پاکستان از زمان استقلال تاکنون در فضای تنش‌آلود و خشونت نسبت به یکدیگر بسر می‌برند که این موضوع رابطه مستقیمی با مسائل هیدروپلیتیک<sup>۱</sup> منطقه جامو و کشمیر که مالکیت آن مورد ادعای دو طرف است، دارد. تفکرات هیدروپلیتیکی بطور خاص در این منطقه توانست تحولات چشمگیری در شورش و درگیری‌های منطقه‌ای بوجود آورد.

در این راستا هند و پاکستان از راه نفوذ و تسلط بر منطقه استراتژیک جامو و کشمیر درصدد برتری استراتژی-های سیاسی-امنیتی برای کنترل و نظارت بر رودخانه‌های استراتژیک منطقه هستند. از این رو ایجاد، گسترش و تجهیز گروه‌های افراطی و بنیادگرا برای ایجاد بی‌ثباتی و هرج و مرج در حوزه‌های کوچک منطقه جامو و کشمیر برای رسیدن به اهداف موردنظر بطور مستمر در حال پیگیری است، و هر دو کشور هند - پاکستان با هر نوع جهت‌گیری سیاسی برای ایجاد صلح و ثبات نسبی که باعث از دست دادن کنترل بر منابع آبی مورد نیازشان شود، مقابله خواهند کرد.

در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی نقش هیدروپلیتیک در گسترش بی‌ثباتی میان هند و پاکستان می‌پردازیم و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود تصمیم‌گیری‌ها در مورد موضوعات هیدروپلیتیکی از قابلیت بالای برای گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در کشورهای موردنظر برخوردار است و این موضوع در پروتکل-های امنیتی هر دو کشور نوعی تهدید فراملی محسوب می‌شود که برای رویارویی با آن استفاده از ابزارهای خشونت مانند تجهیز گروه‌های مخالف دولت بطور وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد.

درگیری‌های خشونت‌آمیز میان هند و پاکستان از زمان استقلال (۱۹۴۷م) تاکنون ادامه دارد که به عقیده بسیاری از کارشناسان امنیتی-سیاسی اهداف هژمون‌خواهی برای نظارت و کنترل در منطقه آسیای جنوبی که سال‌ها جزئی از منافع ژئواستراتژیک قدرت‌های جهانی بود، را پیگیری می‌کند. اما عمده اختلافات مربوط به کنترل و نظارت بر منطقه جامو و کشمیر است و هر دو کشور هند و پاکستان این منطقه را جزء قلمرو حاکمیتی خود می‌دانند، از این جهت تاکنون طرح‌های مختلف برای کاهش اختلافات راهی به پیش نبرده است. لذا در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا تنش و درگیری هند-پاکستان تحت تاثیر مستقیم مسائل هیدروپلیتیکی منطقه مورد مناقشه جامو و کشمیر قرار دارد؟ با دقت بر نقشه جغرافیا متوجه

<sup>۱</sup> Hydro-politics

می‌شویم که منطقه جامو و کشمیر به دلیل سرمنشاء رودهای بزرگ و دائمی از توان استراتژیکی برای تامین آب کشورهای پاکستان و هند برخوردار است و نظارت هریک از این کشورها بر منابع استراتژیک آب منطقه جامو و کشمیر می‌تواند موازنه قدرت را برای کنترل سرزمین‌های پایین دست رودخانه تغییر دهد، مسئله‌ای که هر دو کشور در حال پیگیری آن هستند.

در این راستا فرضیه‌ای شکل گرفته نشان می‌دهد که هند و پاکستان به دلیل اقتصاد روستایی وابسته به بخش کشاورزی به منابع آبی رشته کوه‌های هیمالیا نیازمند هستند، بدین ترتیب مسائل هیدروپلیتیکی منطقه جامو و کشمیر سهم بسزایی در کاهش و افزایش ظرفیت‌های تولیدی و اقتصادی دارد و هرگونه اختلال در سیستم آبرسانی بطور مستقیم منجر به فروپاشی اقتصادی کشورهای هند و پاکستان، انقباض ژئوپلیتیکی و تداوم مناقشات افراط‌گرایی و تروریستی خواهد شد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع علمی و پژوهشی به بررسی ریشه‌های تنش و درگیری میان هند و پاکستان که متأثر از نقش تفکرات هیدروپلیتیکی و دسترسی به منابع آب شیرین می‌باشد، می‌پردازد.

## ۱- مبانی نظری

۹

آب یک دارایی استراتژیک است که در کل جهان با کمبود روبروست. کارشناسان تخمین می‌زنند تا سال ۲۰۳۰، ۶۰ درصد از جمعیت جهان از تأمین آب شیرین محروم شوند. همین موضوع باعث شده است تا بعضی از نظریه‌پردازان اعلام کنند که آب می‌تواند هم منبع همکاری با مدیریت صحیح باشد، هم عامل منازعه و درگیری شود. به همین دلیل دولت‌ها مسائل مربوط به آب اعم از آب‌های سطحی و زیرزمینی، منابع طبیعی و مصنوعی، آب حوضه‌های داخل مرزها و خارج از مرزها را از طریق هیدروپلیتیک حل و فصل می‌کنند. از این‌رو هیدروپلیتیک به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعی انسان‌ها و دولت‌ها می‌پردازد اعم از آنکه در داخل کشورها و یا در سطح منطقه‌ای و جهانی و بین‌المللی باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲)، به تعبیری دیگر هیدروپلیتیک به مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به آب که در شکل‌گیری سیاسی در روابط میان دولت‌ها با یکدیگر و مردم و دولت حتی در یک کشور دخیل است، می‌پردازد. کمبود آب یا اجازه عبور از مرزهای بین‌المللی بگونه‌ای روزافزون در سیاست‌های کشورها تاثیرگذار است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۱). سیاسی شدن منابع آب و به عبارت دیگر هیدروپلیتیک در مقیاس‌های مختلفی از محلی تا بین‌المللی ظاهر می‌شود. امروزه منابع آب موجبات تنش هم در درون کشورها و هم در روابط بین کشورها را فراهم می‌سازد

که بیشتر ناشی از عدم برنامه‌ریزی، عدم استفاده بهینه و ذخیره‌سازی مناسب منابع آب یا عوامل طبیعی می‌باشد. در واقع آب تبدیل به یک عامل تاثیرگذار در مسائل داخلی و بین‌المللی شده است.

در منطقه جنوب آسیا، هند و پاکستان که از قبل روابط پیچیده‌ای داشتند، سیاست‌های هیدروپلیتیکی بین آنها به دلیل محدود بودن تأمین آب شیرین، وضعیت را وخیم‌تر کرده است. پاکستان و هند بعنوان کشورهای همسایه از آب مشترک برخوردار هستند و تقسیم عادلانه آب مشکلی از زمان استقلال هر دو کشور است، بدین ترتیب هند و پاکستان برای تأمین نیازهای آبی خود، از سیاست‌های هیدروپلیتیکی استفاده می‌کنند. البته تغییرات آب و هوایی به ویژه تغییرات در فصل‌های موسمی محدودیت مهمی در تقسیم آب بین هند و پاکستان است. برای پاکستان که یک دولت پایین دستی رودخانه است، ساخت سدها توسط هند تهدیدآمیز است و به همین جهت مسئله کمبود آب یک مسئله امنیتی بین آنها است. پاکستان بعنوان یک کشور کشاورزی برای رشد اقتصادش کاملاً به آب وابسته است. اگرچه «پیمان ۱۹۶۰ آب سند» تا حد زیادی مشکلات بین این دو کشور را کنترل کرد اما این معاهده حقوق بیشتری را برای هند فراهم می‌کند و کنترل کامل هند در دسترسی به رودخانه‌های شرقی و مقابله با حقوق آب پاکستان و کمبود فزاینده آب منجر به بحث شدید و نگرانی از سیاست‌های آبی در جنوب آسیا شده است. هند درصدد ساخت سدها و نیروگاه‌های برق آبی است، از این رو کمبود آب در رودخانه‌های سند، چناب و جهلم برای پاکستان نگران کننده است که توانسته وضعیت بی‌ثباتی را در روابط بین آنها ایجاد کند. پاکستان معتقد است این مخازن آبی نقص پیمان آبی سند است، اما هند همه ادعاهای پاکستان را رد می‌کند. اگرچه پاکستان درخصوص ساخت سدهای باهاشا<sup>۱</sup> و کالاباغ<sup>۲</sup> که می‌تواند تا حد زیادی ذخایر آبی را تأمین نماید، موفق عمل نکرده است، اما تغییرات آب و هوایی در هیمالیا و اقیانوس هند مسئله مهمی است که باید مورد توجه دو کشور قرار گیرد زیرا پیمان آب سند قادر به پاسخگویی به سوال تغییر اقلیم و پیامدهای ناشی از آن نیست چراکه تغییرات اقلیمی باعث کاهش جریان سالانه آب در سند شده است. در این زمان که کمبود آب توجه جنوب آسیا را به خود جلب می‌کند، سیاست‌های مدیریت آب و سازوکار همکاری بین پاکستان و هند موردنیاز است اما هر روز بر دامنه تنش‌های آبی میان دو کشور افزوده می‌شود و شکل امنیتی به خود می‌گیرد.

---

<sup>1</sup> Bhasha

<sup>2</sup> Kalabagh

## ۲- جامو و کشمیر، مهمترین عامل تنش میان هند و پاکستان

پس از استقلال هند از استعمار بریتانیا، مسلمانان احساس کردند که جایگاه و قدرت خود را از دست داده‌اند. با به وجود آمدن کشورهای پاکستان غربی و پاکستان شرقی (بنگلادش) مسلمانان ترجیح دادند به آن کشورها مهاجرت کنند ولی کماکان با دشمنی بر سر قلمروهای سرزمینی در وضعیت خصومت آشکار چهار بار با یکدیگر دست به جنگ زده‌اند یا در وضعیت خصومت ضمنی (دستیابی به سلاح هسته‌ای در این منطقه موجب خویشتنداری آنها شده است) قرار دارند. البته این در حالی است که دو کشور دارای روابط دیپلماتیک هستند.

اختلاف و درگیری میان هندوها و مسلمانان که به لحاظ جمعیت مسلمانان در یک کشور رتبه چهارم در جهان را دارند همچنان تهدید جدی برای یکپارچگی هندوستان می‌باشد. واکنش واشنگتن به بیطرف هند کشاندن پاکستان به اتحاد نظامی با خود بود که ابتدا در سال ۱۹۷۶ توسط سازمان (کوتاه مدت) پیمان مرکزی، سنتوکه شامل ترکیه، عراق و ایران نیز می‌شد و سپس از طریق ترتیبات دوجانبه صورت گرفت. همچنین در سال ۱۹۵۵م پاکستان به سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی (سیتو) پیوست که در کنار حضور آن در سنتو نشان از جهت‌گیری استراتژیک آن به سمت غرب و شرق کشور بود (کوهن، ۱۳۸۹: ۶۱۵).

بطور کلی شبه قاره هند نقاط تعارض زیادی با اسلام داشته و خواهد داشت. مسائل ارضی (کشمیر) دینی (حفظ حقوق اقلیت مسلمان هند) سیاسی-روانی (میراث برتری گذشته مسلمانان و پس از آن برتری هندوها بر مسلمانان) و نظامی (هند در مقابل پاکستان) از جمله تعارضات تمدن هند و در مقابل اسلام می‌باشد (لشگری تفرشی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). از این رو پاکستان تلاش‌های هسته‌ای را ناشی از تهدید دائمی هند و اقدامی واکنشی قلمداد می‌کند و از این نظر آن را کاری صرفاً دفاعی به حساب می‌آورد.

با این حال بزرگترین مناقشه پاکستان با هند بر سر جامو و کشمیر است. هند فلات‌های واقع در حاشیه بیرونی شمال توسط چین (متحد پاکستان) در سال ۱۹۶۲م تسخیر (اکسای چین) و جاده گردنه خونجراه از راه بخش تحت کنترل پاکستان را در دست دارد. پاکستان بر سر بخشی از کشمیر که در سال ۱۹۴۷م به هند ملحق شد، مشکل دارد و نمی‌پذیرد که خط کنترل به خواست هند خط مرزی شود. هدف حکومت پاکستان که علت وجودی آن گردهم آوردن مسلمانان بوده و هست تقسیم سرزمین و در اختیار گرفتن دره سرینگار بود و مناطق دارای جمعیت هندو و بودایی لاداخ و جامو می‌توانند از هند بازگردانده شوند. با این حال هند با باز تعریف مرز براساس معیار قومی- مذهبی مخالفت دارد (فوشه، ۱۳۹۵: ۹۶).

### – اهمیت جامو و کشمیر

سرزمین کشمیر به وسعت ۲۲۲۲۳۶ کیلومتر مربع در شمال شبه قاره هند قرار دارد که از شمال و شرق با چین، از شمال غربی با افغانستان، از غرب با پاکستان و از جنوب با هند هم‌مرز است. سرزمینی که کشمیر نامیده می‌شود شامل سه قسمت است: یکی ایالات جامو و کشمیر که در قلمرو هند قرار دارد و مرکز آن شهر سرینگر است. دیگری کشمیر آزاد که در قلمرو پاکستان قرار داشته و مرکز آن مظفرآباد است (حد فاصل بین کشمیر هند و پاکستان خط آتش‌بس یا کنترل به طول ۱۳۸۵ کیلومتر قرار دارد که پس از سومین جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱م توسط سازمان ملل تعیین شد) و منطقه شمالی که در اختیار چین است (تصویر شماره ۱). بازیگران دخیل در بحران کشمیر در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تقسیم هستند. در سطح داخلی جبهه آزادیبخش جامو و کشمیر قرار دارد که خواهان به وجود آمدن کشوری جدید به نام کشمیر است. در سطح منطقه دو بازیگر اصلی یعنی هندوستان و پاکستان قرار دارند که هر دو خواهان الحاق کشمیر و پیوستن آن به کشور خودشان هستند و در سطح بین‌الملل نیز بازیگرانی مختلف وجود دارد.



تصویر شماره (۱)

جبهه آزادیبخش جامو و کشمیر که خواهان استقلال بخشی از این سرزمین است استدلال‌های زیر را مطرح می‌کند: از دید این جبهه، کشمیر از ابتدا سرزمینی مستقل بوده و با آنکه در گذشته بخشی از سرزمین شبه قاره هند بود اما تحت حاکمیت جداگانه‌ای قرار داشته است. مردم کشمیر با آنکه مسلمانند اما دارای هویت فرهنگی و تاریخی جداگانه‌ای هستند که با ساکنان پاکستان متفاوت است. با توجه به اختلافات دیرینه‌ای که

بین دولت هند و مردم کشمیر وجود دارد. تداوم سلطه هند بر کشمیر تقریباً غیرممکن است. از سوی دیگر الحاق کشمیر به پاکستان نیز حساسیت‌های ویژه‌ای برای هندوستان به دنبال خواهد داشت که مانع از انعطاف و رضایت هند نسبت به این موضوع خواهد شد. بنابراین به سود هر دو کشور است که به استقلال کشمیر رأی بدهند. جامعه بین‌الملل به ویژه قدرت‌های بزرگ نیز به کشمیر مستقل راغب‌تر هستند.

این در حالیست که در سال ۱۹۴۷م لرد مونت باتن نایب‌السلطنه وقت هندوستان، کشمیر را منطقه‌ای با اهمیت تلقی کرد و اعلام نمود کشمیر در چهارچوب هند باقی بماند. البته به همان میزانی که کشمیر برای هند حائز اهمیت است برای پاکستان نیز بسیار مهم شمرده می‌شود. پاکستان در این مسیر هزینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری را متحمل شده است. تا پیش از سال ۱۹۴۷م یعنی خروج بریتانیا از شبه قاره هند و پاکستان یک کشور را تشکیل می‌دادند اما از آن سال به بعد هند و پاکستان از هم جدا شدند و تاکنون این دو کشور همچنان بعنوان دشمنان اصلی یکدیگر باقی مانده‌اند. دلایل پاکستان در تصرف کشمیر عبارتند از: (۱) عوامل نژادی-فرهنگی و مذهبی، (۲) موقعیت جغرافیایی، (۳) راه‌های ارتباطی، (۴) روابط تجاری و توسعه اقتصادی، (۵) آبیاری و تولید نیروی هیدروالکتریک، (۶) ملاحظات استراتژیکی (میرحیدر، ۱۳۸۹: ۵۵).

کشمیر از دیرباز صحنه درگیری و جنگ بین دو کشور بوده و گاه و بیگاه به بهانه‌ای تنش میان دو کشور در این منطقه افزایش یافته است. وقوع سه درگیری نظامی در اکتبر ۱۹۴۷، آوریل ۱۹۶۵ و دسامبر ۱۹۷۱م بر سر کشمیر نشان دهنده اهمیت منازعه کشمیر نزد دو کشور است. خط مرزی دو کشور هند و پاکستان اولین بار در سال ۱۹۴۹م و پس از جنگ اول با عنوان خط آتش‌بس مشخص شد. در سال ۱۹۷۲م بعد از درگیری دوم خط مرزی جدید با عنوان خط کنترل با تغییرات اندکی نسبت به مرزبندی اولیه و طی توافقنامه سیملا بین دو کشور شکل گرفت. خط کنترل از منطقه‌ای کوهستانی با ارتفاع ۵۰۰۰ متر می‌گذرد و شرایط به شکلی است که ادعای‌های مکرر و جدال‌های مقطعی فراوانی میان دو کشور در پی داشته است. هم‌اکنون اختلاف عمده بین مسلمانان کشمیر بین کسانی است که خواستار نزدیک شدن به پاکستان هستند و افرادی که خواستار یک کشور مستقل هستند. پاکستان کشمیر را بدان علت که بخش اعظم جمعیت آن مسلمان است از آن خود می‌داند و هند نیز بدان جهت که مهراجه وقت کشمیر، الحاق قلمرو خود را به خاک هند اعلام کرد، مدعی جدایی‌ناپذیر بودن این سرزمین از خاک هند است. به هر ترتیب آرایش نظامی نیروهای مسلح دو کشور در مرز کنترل منطقه و حملات لفظی و جنگ سرد مقامات دو کشور به خوبی نشان می‌دهد که این بحران عمیق دیرپا و چند لایه همچنان پویا و تاثیرگذاری خود را بر روابط هند و پاکستان حفظ کرده است (باقرنیا، ۱۳۹۵: ۹۷). تحلیلگران معتقدند کشور مستقل آزاد به نام کشمیر به دلایلی نظیر جمعیت

کم و فقدان تشکیلات اجتماعی و اقتصادی جهت اداره یک کشور، سطح ضعیف آموزش تحصیلات در کشمیر، کمبود منابع درآمد اقتصادی، فقر عمومی در این کشور، بالطبع کشور ضعیفی را شکل خواهد داد و این ضعف درونی ماجراجویی‌ها و دخالت‌های خارجی را به سوی خود فرا می‌خواند (وریج کاظمی، ۱۳۹۵). اما نکته اصلی اختلاف هند و پاکستان در منطقه جامو-کشمیر با مسائل هیدروپلیتیکی درهم آمیخته است و این موضوع از مهمترین چالش‌های پیش‌روی دو کشور بخصوص پاکستان بعنوان کشور پایین دست رودخانه‌ها می‌باشد. مشکل آب‌های فرامرزی این است که کشورهای بالادست رودخانه هر لحظه می‌توانند جریان آب به کشور پایین دست را کاهش، متوقف و یا آلوده کنند، در اینجا هند کشور بالادست و پاکستان کشور پایین دست محسوب می‌شود (Daly, 2011). در سال‌های اخیر دولت هند درصدد مسدود کردن این رودها برای استفاده در مزارع و احداث نیروگاه‌های برق آبی است که اعتراضات فراوانی را از سوی مقامات پاکستان در پی دارد. از سوی دیگر در صورت جابجایی خط کنترل مرزی<sup>۱</sup> در جامو و کشمیر، هند بعنوان کشوری بالادست رودخانه‌های پاکستان، می‌تواند کنترل این کشور را در دست داشته باشد. دو کشور هند و پاکستان از جمعیت قابل توجهی برخوردارند و تامین منابع آب برای آنان امری استراتژیکی و امنیتی محسوب می‌شود. البته هند هم بعنوان کشور پایین دست رودخانه براهماپوترا با کشور همسایه خود یعنی چین با مشکلات زیادی روبرو است.

۱۴

### ۳- تنش‌های هیدروپلیتیکی هند و پاکستان

حوضه ایندوس و بطور مشخص رود سند استراتژیکی‌ترین منبع حیات در پاکستان است. رودخانه سند از تبت در قسمت بالایی رشته کوه‌های هیمالیا سرچشمه می‌گیرد و از طریق کشمیر تحت کنترل هند (سرزمین مورد مناقشه) طی مسیر می‌کند و سرانجام از مرز بین‌المللی به پاکستان وارد می‌شود. این رود از میان دشت‌های حاصلخیز پنجاب و سند عبور کرده و در نهایت به دریای عرب می‌ریزد (تصویر شماره ۲) (Briscoe, 2005:89). با توجه به اینکه نیمی از جمعیت پاکستان در بخش کشاورزی اشتغال دارند، این رود و سرشاخه‌های آن نقش حیاتی را برای پاکستان بازی می‌کنند. بریتانیا در زمان استعمار این منطقه، شبکه آبیاری را در اندازه و مقیاس وسیع گسترش داد تا جائیکه حوزه سند در پاکستان بزرگترین شبکه آبیاری جهان است که هفتاد و یک درصد از خاک پاکستان را تشکیل می‌دهد (Sattar, 2018). حوزه سند بطور

<sup>1</sup> Line of Control (LOC)



مستقیم موجب اشتغال تقریباً نیمی از نیروی کار پاکستان و یک چهارم تولید ناخالص داخلی کشور می‌شود (Gilmartin, 2015).



تصویر شماره (۲)

### ۳-۱- ریشه منازعات هیدروپلیتیکی

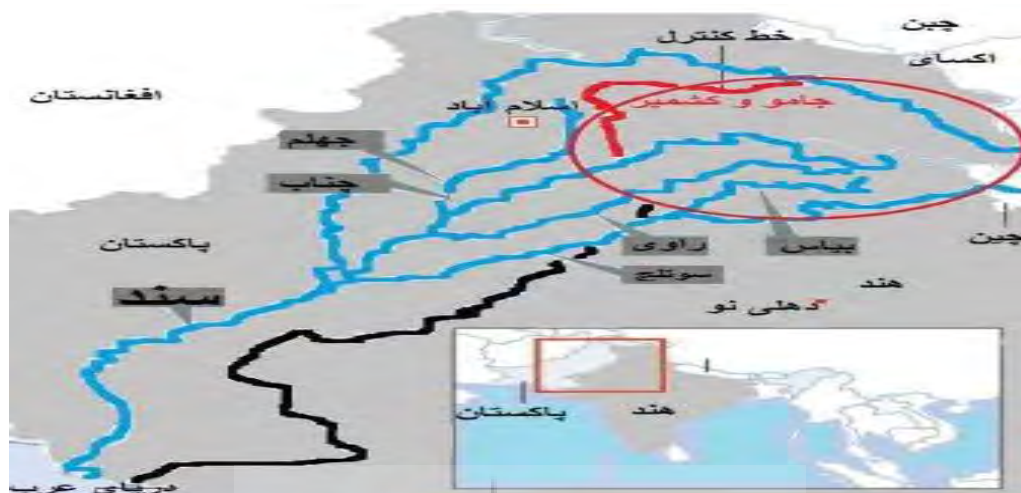
روابط هند و پاکستان از زمان استقلال آنها از حاکمیت بریتانیا در سال ۱۹۴۷ همیشه متشنج بوده است. یکی از مهمترین منبع درگیری بین این دو کشور کنترل بر رود سند بعنوان رود مشترک است که به دریای عرب می‌ریزد. این اختلافات با پیمان آبی سند در سال ۱۹۶۰ تا حدودی حل‌وفصل شد که آب رودهای سند، جهلم و چناب را به پاکستان و آب‌های سوتلج، بیاس و راوی را به هند اختصاص می‌دهد (Bobin, 2012). چالش‌های هند و پاکستان در چارچوب سیاسی زیرساخت‌های آب حوزه سند و امضای پیمان آبی سند در سال ۱۹۶۰ بین پاکستان، هند و بانک جهانی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است (Mohan, 2016). این پیمان نحوه تقسیم آب‌های حوزه سند را بین دو کشور تعیین کرد، همچنین پارامترهای فنی مهندسی را برای پروژه‌های ساختمانی و مکانیزم حل اختلاف را در صورت درگیری و تنش برای هر دو طرف مشخص نمود.

به بهانه جنگ سرد و افزایش نفوذ شوروی در منطقه، ایالات متحده آمریکا به اختلاف هیدروپلیتیکی هند و پاکستان علاقه‌مند شد. دولت آیزنهاور با استفاده از کمک‌های اقتصادی و نفوذ بانک جهانی میانجیگری در بحث آب را برعهده گرفت. با این کار، روند مذاکرات به طول یک دهه شروع شد. در طی مراحل اولیه مذاکرات،

هند در اصل به پاکستان پیشنهاد کنترل پنج رودخانه را داد اما پاکستان این مسئله را رد کرد زیرا آنها می‌خواستند کنترل هر شش رودخانه در اختیارشان باشد. بنابراین رودخانه‌های شرقی که مسیرشان بیشتر در هند جریان دارد به هند اختصاص یافت و سه رود غربی که از پاکستان عبور می‌کنند به پاکستان اختصاص یافت (Naqvi, 2018). با این حال، مراکز عمده جمعیت پاکستان مانند لاهور، باهوالپور و مولتان بیشتر در سمت رودخانه‌های شرقی واقع شده‌اند. از این رو ایالات متحده آمریکا، انگلیس و بانک جهانی بعنوان نهادهای حامی تصمیم گرفتند یک طرح زیرساختی بزرگ برای جبران خسارات رودخانه‌های شرقی راه‌اندازی کنند (Fruchard, 2012:6).

برای هدایت آب اضافی رودخانه‌های غربی به رودخانه‌های شرقی، سیستم جدیدی از سدها و کانال‌های پیوندی ساخته شد. هزینه این کار را برخی از دولت‌های جهان از جمله هند پرداخت کرد. اما ادامه مذاکرات برای این طرح نزدیک به ده سال به تأخیر افتاد. در نیمه دوم مذاکرات، مقامات پاکستانی موضع خود را از ادعا در مورد آب‌های رودخانه به بحث در مورد میزان غرامت مالی برای کارهای توسعه‌ای در سه رودخانه پاکستان تغییر دادند. بنابراین، بخش عمده‌ای از مذاکرات مربوط به حقوق آب پاکستان نبود، بلکه به مقدار و اندازه بسته کمکی که قرار بود پاکستان برای ساخت این کارهای توسعه‌ای دریافت کند، بستگی داشت (Akhtar, 2002:42).<sup>۱۶</sup> با این وجود، آنچه از نظر امنیتی در این توافق مهم بود، کمک به توسعه نبود، بلکه نحوه تقسیم آب بین هند و پاکستان مدنظر قرار گرفت (Anwar, 2007).

در این رابطه، مفاد اساسی پیمان را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: آب‌های رودخانه‌های غربی (سند، جهلم و چناب) به پاکستان داده می‌شود و هند موظف به آزاد گذاشتن آب‌های خود خواهد بود (باتوجه به محدودیت‌های مشخص برای استفاده خانگی و کشاورزی). آب‌های رودخانه‌های شرقی (راوی، سوتلج، بیاس) برای استفاده بطور انحصاری به هند داده می‌شود و هند در ساخت پروژه‌های آبی در رودخانه‌های غربی آزاد است (تصویر شماره ۳). این پیمان همچنین هر دو کشور را ملزم به مبادله منظم داده‌ها در مورد استفاده از آب‌ها و تشکیل کمیسیون دائمی سند کرد که بعنوان یک کانال ارتباطی منظم در مورد امور مربوط به اجرای پیمان‌نامه عمل می‌کند.



تصویر شماره (۳)

ارزیابی موفقیت در پیمان آب سند که تقریباً پس از یک دهه مذاکره در سال ۱۹۶۰ امضا شد، موفق‌ترین توافقنامه آبی جهان محسوب می‌شود. این توافق‌نامه برای بیش از پنجاه سال سالم مانده و سه جنگ هند و پاکستان خدش‌های به آن وارد نساخته است. البته گزینه‌های حل اختلاف فقط دو بار، یک بار برای باگلیهر<sup>۱</sup> و دیگری پروژه کیشن گنگا<sup>۲</sup> استفاده شده است، باگلیهر اولین مشاجره پاکستان در رابطه با پروژه برق آبی بود که مربوط به سطح دهانه خروجی سد می‌شد. لازم به ذکر است که سطح دهانه خروجی به هند اجازه می‌دهد تا تمام آب بالای دهانه سد را تخلیه کند و هرچه دهانه خروجی پایین‌تر باشد، توانایی هند برای ایجاد اختلال در جریان آب پاکستان بیشتر می‌شود در نتیجه تهدیدی بیشتر برای امنیت پاکستان به وجود می‌آورد (Mustafa, 2016). توانایی کنترل جریان آب از طریق خروجی‌های سطح پایین به ویژه در ماه‌های زمستان مورد توجه است و رودخانه سند از این نظر دچار ضعف است چراکه بیشتر جریان آب آن از ماه‌های آوریل تا اکتبر (تابستان) به دلیل ذوب شدن یخچال‌ها و جریانات موسمی است (Gupta, 2016). بدین ترتیب امکان تولید برق آبی در پاکستان ۵۹ درصد وجود دارد ولی فقط ۶٫۶ درصد از ظرفیت استفاده کرده است و برای هند ۸۴ درصد امکانپذیر است که آنها هم فقط ۳۹٫۵ درصد را مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند.

<sup>1</sup> Baglihar

<sup>2</sup> kishenganaga

با وجود اینکه معاهده آب سند از درگیری نظامی جلوگیری کرده است، اما این پیمان بار دیگر توسط برنامه‌های هند برای ساخت سدهای برق آبی در این منطقه تهدید می‌شود. هند باید اقتصاد خود را ترمیم نماید، از این‌رو در پروژه‌های برق آبی سرمایه‌گذاری می‌کند. این موضوع از دلایل اصلی نگرانی پاکستان است چراکه رودخانه سند و سرشاخه‌هایش بیش از ۸۰ درصد از ۵۴ میلیون هکتار زمین پاکستان را آبیاری و فعالیت‌های کشاورزی ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تأمین می‌کند (The Economist, 2011). پاکستان همیشه رودخانه سند را از دریچه امنیتی نگاه کرده است در نتیجه پروژه‌های هند را تهدیدی بالقوه برای امنیت کشور می‌داند. بسیاری از نخبگان سیاسی و امنیتی پاکستان معتقدند که نگرانی‌های امنیتی آنها در مورد تجاوزهای هند به پاکستان به واقعیت نزدیک است چراکه هند در اول آوریل ۱۹۴۸ جریان آب به پاکستان را متوقف کرده بود (Zafar, 2017). هند حتی در مشارکت خود در پیمان تجدیدنظر کرد و این امر به ناچار باعث شد تمام پروژه‌های هند در رودخانه‌های پاکستان تحت بررسی سیاسی قرار گیرد، از این‌رو مردم پاکستان بیش از پیش درباره نقش هند در بحران آب پاکستان بدبین هستند (Kaushik, 2016).

### ۲-۳- پروژه‌های برق آبی هند

به دلیل کمبود آب شیرین و زیرزمینی در هند و پاکستان، فشارهای سیاسی در حال افزایش است. این منطقه شاهد رشد سریع جمعیت است که به معنای افزایش مصرف منابع می‌باشد. شهرنشینی سریع، تقاضا برای آب آشامیدنی را افزایش می‌دهد، ضمن اینکه با رشد اقتصادی و نوسازی، تخلیه مواد شیمیایی از کارخانه‌ها و آلودگی نیز باعث کاهش دسترسی به آب پاک شده است.

هند در تلاش است تا منابع آب را کنترل یا تصاحب کند و بر دیگر آب‌های شیرین آسیای جنوبی تسلط یابد. اختلاف آب از یک سو مسئله کمبود است و از طرف دیگر دارای پتانسیل امنیتی بین هند و پاکستان می‌باشد. کشمیر برای امنیت آب هند بسیار مهم است چراکه سرچشمه رودخانه سند و سرشاخه‌های آن به حساب می‌آید از این‌رو بعنوان رود فرامرزی نه تنها برای کشاورزی و مرزها مشکلاتی ایجاد می‌کند بلکه برای کشورهای رقیب نیز تهدید محسوب می‌شود (Adnan, 2018:177).

در اوایل سال ۲۰۰۰، هند سد باگلیهر و سد کیشن گانگا را بر روی رودخانه چناب احداث کرد و پروژه بحث برانگیز برق آبی نیمو-بازگو<sup>۱</sup> بر رود سند از دیگر فعالیت‌های هند بود که مورد اعتراض جهانی واقع شد (Express Tribune, 2012)، زیرا این تصور وجود دارد که هند می‌تواند با استفاده از این سدها محدودیت‌های را برای ورود آب به پاکستان به وجود آورد. پاکستان معتقد است این سد به هند اجازه می‌دهد تا با

<sup>۱</sup> Nimoo-Bazgo

کنترل آب رودخانه‌ها ابزاری مناسب برای مداخله نظامی داشته باشد. این وضعیت نگرانی‌های زیادی را در سراسر جهان گسترش داد، حتی گروه‌های افراطی در پاکستان ساخت سد توسط هند را تهدیدی برای موجودیت کشور دانستند و خواهان جنگ، حتی هسته‌ای شدند (Daly, 2011).

در ماه‌های زمستان (نوامبر تا مارس)، جریان آب بطور قابل توجهی کاهش می‌یابد و کارشناسان معتقدند که پروژه‌های برق آبی هند می‌تواند پاکستان را در طی سه ماه از ۳۲۱ هزار متر مکعب آب محروم کند و عواقب گسترده‌ای برای کشاورزی به دنبال خواهد داشت. این پروژه‌ها باعث ایجاد یک عقب‌گرد جدی در تولید گندم در ایالت پنجاب، بزرگترین استان تولید کننده گندم پاکستان می‌شود. سرتاج عزیز، وزیر خارجه وقت پاکستان در آن زمان، با تأکید عنوان کرد که هرگونه تلاش هند برای انحصار جریان آب به پاکستان را اقدام جنگی تلقی می‌کند. در این راستا گزارش سنای ایالات متحده حاوی هشدار تلخ درباره آینده روابط هند و پاکستان بر سر منابع آبی مشترک به این نتیجه رسید که سدها منبع تنش‌های دوجانبه هند و پاکستان خواهند بود.

تهدیدات آبی هند علیه پاکستان با ایجاد یک پروژه آبی با خروجی‌های سطح پایین در حال گسترش است، زیرا آنها می‌توانند آب پاکستان را کنترل کنند. با این حال هند استدلال کرد که خروجی‌های سطح پایین یک نیاز ضروری برای کنترل رسوبات سدها هستند (Shahzad, 2017). البته استدلال هند تا حدی درست است چراکه خروجی‌های سطح پایین در پاکسازی رسوبات موثرترند با این حال، با دانستن پیامدهای امنیتی که خروجی‌های سطح پایین برای رودخانه پایین‌تر ایجاد می‌کند، این موضوع را برای پاکستان بسیار حساس کرده است (Gupta, 2016). این یک خطر امنیتی برای پاکستان به حساب می‌آید زیرا این موضوع به هند امکان کنترل جریان آب را می‌دهد، به ویژه با تعداد زیادی از پروژه‌هایی که هند قصد دارد، بسازد. هند به دلیل کمبود شدید آب برای آبیاری مزارع در پنجاب و سایر مناطق در حال جستجو برای تزریق آب اضافی در سیستم آبی برای تأمین نیازهای جمعیت رو به رشد است. از این‌رو هند قصد دارد ۱۳۵ سد در رودخانه‌های غربی، ۲۴ سد در سند، ۷۷ سد در جهلم و ۳۴ سد در چناب احداث کند.

### ۳-۳- پروژه‌های آبی تنش‌زا هند

- پروژه نیروگاه نیلوم - جهلم با توان ۷۹۶ مگاوات و پروژه‌های کاشین گانگا با توان ۳۳۰ مگاوات تهدیدی برای پاکستان بعنوان یک کشور پایین دستی است. این پروژه‌ها منجر به کمبود آب در پاکستان می‌شود و می‌تواند جای خود را به موضوعات امنیتی دهد که منجر به جنگ می‌شود (تصویر شماره ۴).

- پروژه برق آبی سالال<sup>۱</sup> در کشمیر بر روی رودخانه چناب اولین پروژه‌ای بود که پاکستان در آن نسبت به ظرفیت ذخیره‌سازی اعتراض کرد.

- پروژه نیروگاه والار<sup>۲</sup> دومین پروژه بحث‌برانگیز بین هند و پاکستان در رودخانه جهلم است که بعنوان پروژه آبیاری تالبول در دریاچه ولار در هند شناخته می‌شود. این مخزن آبی بزرگترین دریاچه آب شیرین کشمیر است که ساخت آن در ۱۹۸۴ آغاز و در سال ۱۹۸۷ پس از اعتراض پاکستان متوقف گردید. این پروژه با ده دور گفتگو کماکان حل نشده باقی مانده است (تصویر شماره ۴).

- سد باگلیهر، یک پروژه برق آبی در رودخانه چناب در کشمیر است که در سال ۱۹۹۱ آغاز شد و مرحله اول آن در سال ۲۰۰۵ و دوم آن در سال ۲۰۰۸ به پایان رسید. پاکستان با ساختار، ذخیره و کنترل جریان آب سد باگلیهر مخالف است چراکه این امر بطور قابل توجهی بر جریان آب رودخانه چناب به ویژه دو کانال پیوندی که از مارالا، سیالکوت سرچشمه می‌گیرند، تأثیر می‌گذارد.

- کیشن گانگا یک پروژه ۳۰۰ مگاواتی بر رودخانه جهلم است که توسط هند اجرایی شده است. ساخت این پروژه در سال ۲۰۰۷ آغاز و در سال ۲۰۱۶ به پایان رسید. این پروژه رودخانه نیلوم را تا ۱۰۰ کیلومتر هدایت می‌کند و تأمین آب به دره نیلوم به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پروژه باعث نابودی پروژه‌های برق آبی پاکستان است که ساخت آن در نوشرا، پاکستان در حال انجام است. پاکستان نسبت به ساختار، حجم و ارتفاع پروژه کیشن گانگا اعتراض دارد.

- نیروگاه برق آبی راتل<sup>۳</sup> با توان ۸۵۰ مگاوات که در سال ۲۰۱۶ بر روی رودخانه چناب به پایان رسید. این پروژه باعث کاهش ۴۰ درصدی جریان آب رودخانه چناب در مارالا می‌شود و سه برابر بزرگتر از پروژه باگلیهر است. پاکستان نسبت به اندازه، حجم و ارتفاع آن اعتراض دارد.

- نیروگاه برق آبی دل هستی<sup>۴</sup> با توان ۳۹۰ مگاوات در رودخانه چناب در منطقه دودا کشمیر در سال ۱۹۸۵ آغاز و در سال ۲۰۰۷ تکمیل شد. پاکستان ادعا کرد که این سد مانند باگلیهر عمل می‌کند اما کارشناسان هندی معتقدند تأثیرات مخرب مورد ادعا پاکستان در خور توجه نیست (Slideshare.net).

<sup>1</sup> Salaal

<sup>2</sup> Wullar Barrage

<sup>3</sup> Ratle

<sup>4</sup> Dul Hasti Dam

- پروژه نیروگاه برق آبی ۲۴۰ مگاواتی یوری<sup>۱</sup> بر رودخانه جهلم در منطقه باراماله در کشمیر است که پاکستان در پایین دست این نیروگاه قرار دارد. اعتراض پاکستان به نقض پیمان آبی سند توسط این نیروگاه است. پس از چند دهه کشمکش بالاخره هند ساخت آنرا در سال ۲۰۱۱ عملیاتی کرد.

- پروژه نیروگاه نیمو<sup>۲</sup> در لاداخ کشمیر هند که ساخت آن در سال ۲۰۰۶ آغاز و در سال ۲۰۱۰ به پایان رسید. هند طرح خود را در طی جلسه پیمان آبی سند به دولت پاکستان ارائه داد و پاکستان نگرانی خود را از پروژه مذکور اعلام داشت که این سد ممکن است منبع آب پاکستان را کاهش یا قطع کند.

- پروژه برق آبی ۱۰۲۰ مگاواتی بورسار<sup>۳</sup> که بر روی رودخانه‌های جهلم و چناب ساخته شده است به هند اجازه می‌دهد در فصل زمستان کل آب رودخانه چناب را ذخیره‌سازی کند (Dawn.com).

- پروژه‌های چوتاک<sup>۴</sup> و دومخار<sup>۵</sup> در رودخانه سند در لاداخ در سال ۲۰۱۱ به اتمام رسید که به گفته هندی‌ها تأثیری در کمبود آب پاکستان نخواهد گذاشت.

- و برنامه‌ریزی برای نیروگاه‌های ۶۰۰ مگاواتی در کیرو<sup>۶</sup> و ۱۰۰۰ مگاواتی سد پاک دول<sup>۷</sup> در رودخانه غربی چناب.

۲۱



تصویر شماره (۴)

- <sup>1</sup> Uri-II
- <sup>2</sup> Nimoo-Bazgo
- <sup>3</sup> Bursar
- <sup>4</sup> Chutak
- <sup>5</sup> Dumkhar
- <sup>6</sup> Kiro
- <sup>7</sup> Pakal Dul

از نظر کارشناسان هندی این پروژه‌ها به هیچ وجه مستقیماً باعث بحران آب در پاکستان نمی‌شوند و اثر تخریبی پروژه‌های رودخانه‌ای بسیار ناچیز خواهد بود. با این حال پاکستان در مورد پروژه‌های مزبور نگران است و آنرا گامی برای ناامنی ملی و منطقه‌ای می‌داند.

#### ۴- مناظرات هیدروپلتیکی در پاکستان

با افزایش سریع جمعیت، پاکستان به سمت کمبود آب و تهدید ناامنی برای تامین مواد غذایی پیش می‌رود. سرانه در دسترس بودن آب‌های سطحی از ۵۲۶۰ متر مکعب در سال ۱۹۵۱ به حدود ۱۰۰۰ متر مکعب در سال ۲۰۱۶ کاهش یافته است. این مقدار احتمالاً تا سال ۲۰۲۵ به ۸۶۰ متر مکعب کاهش خواهد یافت که نشان دهنده انتقال از کمبود آب به بحران آب است. حداقل نیاز به آب برای جلوگیری از پیامدهای غذایی و بهداشتی ناشی از کمبود آب ۱۰۰۰ متر مکعب به ازای هر نفر در سال است، این در حالیست که اگر جمعیت تقریباً ۵ برابر شود، سرانه آب ۵ برابر کاهش می‌یابد. حوضه سند حدود چهار میلیون هکتار از اراضی پاکستان را آبیاری می‌کند که نیازمند مقدار زیادی آب است. منبع اصلی آب‌های سطحی در فصل خشک پاکستان ذوب برف هیمالیا برای تشکیل رودهای سند، جهلم و چناب است. رود سند پس از شکل‌گیری در هیمالیا و عبور از کشمیر، وارد خاک پاکستان می‌شود و سرشاخه‌های آن در نزدیکی میتون کوت با یکدیگر ادغام می‌شوند و سرانجام در استان جنوبی پاکستان (سند) به دریای عرب می‌ریزند. بدین ترتیب بیشتر قسمت‌های رود سند در پاکستان و بقیه در هند، کشمیر، افغانستان و چین نهفته است. دومین شاخه چناب از ایالت جامو و کشمیر عبور می‌کند و سپس وارد ایالت پنجاب هند می‌شود. سه انشعاب دیگر یعنی رودهای راوی، سوتلج، بیاتس هر کدام قبل از ورود به پنجاب هند در ایالت هیماچال پرداش هند آغاز و جریان می‌یابند. حوضه سند مهمترین ذخیره‌گاه آب شیرین پاکستان است و پاکستان مسئله جدی کاهش حجم آب‌های ورودی و همچنین کیفیت آنها را دارد.

بطور متوسط ۳۲ میلیون مترمکعب در هر سال آب شیرین به دریای عرب منتقل می‌شود که در صورت ذخیره‌سازی می‌تواند نیاز آب پاکستان را برآورده سازد. با ساختن مخازن آب یا همان سد، پاکستان کاملاً به جریان آب رودخانه‌های چناب، جهلم و سند وابسته خواهد شد. بدین ترتیب پاکستان در صدد است تا ساخت سدهای کالا باغ، داسو<sup>۱</sup>، باهاشا، آخوری<sup>۲</sup> در شاخه سند، و روتاس<sup>۳</sup> در شاخه جهلم را تکمیل و مورد بهره‌برداری

<sup>1</sup> Dasu

<sup>2</sup> Akhori

<sup>3</sup> Rohtas



قرار دهد. با این حال عدم برنامه‌ریزی برای استفاده از آب‌های تازه و همچنین برای آب‌های زیرزمینی از طرف پاکستان یک مانع واقعی است. با توجه به اینکه ساخت سدها در پاکستان از هدر رفتن آب به دریا جلوگیری می‌کند اما استان‌های پاکستان در خصوص تخصیص آب، منافع خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند. هر چهار استان پاکستان از آب حوضه سند مصرف می‌کنند اما توزیع عادلانه آب در میان آنها مسئله‌ای دشوار بوده است. این وظیفه دولت است که منافع استانی را در منافع ملی ادغام کند اما تاکنون هیچ رهبر سیاسی ریسک راه‌حل مدیریت آب را در بین استان‌ها به غیر از سد کالاباغ به عهده نگرفته است. سد کالاباغ صرفاً پروژه آبی برای استان پنجاب نیست، بلکه برای کل ایالت‌های پاکستان برنامه‌ریزی شده، البته این سد قربانی سیاست‌های هیدروپلیتیکی در پاکستان است.

از سوی دیگر هند با پروژه برق آبی سد دیامیر-باشا<sup>۱</sup> پاکستان مخالف است اما پاسخ پاکستان این است که این منطقه توسط سازمان ملل متحد بعنوان منطقه مورد مناقشه شناخته شده است تا ناقض مفاد پیمان آب سند نباشد. احداث سد دیامیر-باشا نیاز آبی قابل توجهی از جامو و کشمیر و استان سند پاکستان را مرتفع می‌کند و آب به استان پنجاب پاکستان هدایت می‌شود. پاکستان به دلیل پیشنهاد پروژه‌های آبی خود با فشارهای داخلی و خارجی روبرو است و مدیریت آب به یک موضوع هیدروپلیتیکی تبدیل شده است.

۲۳

با این حال سدها جدید می‌توانند سیلاب را در فصل‌های موسمی برای استفاده مولد انرژی ذخیره کنند تا کشور بتواند از بحران کمبود برق عبور کند، همینطور محصولات کشاورزی را از خسارت سیل نجات دهد. آب‌های که توسط سیلاب از دست رفته برای سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ حدود ۹۰،۲۷ میلیون فوت بوده که ده برابر آب ذخیره شده در سد تاربلا<sup>۲</sup> است و اگر در سد کالاباغ ذخیره می‌شد می‌توانست ۳۰۴۷۶ مگاوات برق برای پاکستانی که با کمبود انرژی روبروست، تولید کند. با این حال کارشناسان اظهار داشتند که سدها بهترین راه‌حل برای ذخیره‌سازی سیلاب نیستند و پاکستان باید بر تغییر سیستم آبیاری متمرکز شود زیرا حدود ۶۰ درصد آب توسط کانال قدیمی و سیستم آبیاری هدر می‌رود (Dawn.com).

در تمام استان‌های پاکستان تنش بر سر آب وجود دارد. استان پنجاب بر ساخت سد کالاباغ برای استفاده بهتر از ۳۸ میلیون مترمکعب آب ریخته شده به دریا تأکید دارد. ضمن اینکه سه استان سند، خیبر و بلوچستان برای مسائل مربوط به حق امتیاز با سد کالاباغ مخالف هستند. همچنین استان سند اعتراض دارد که ذخیره آب سند می‌تواند بطور جدی بر اکوسیستم دلتای منطقه تأثیر بگذارد. استان‌ها می‌ترسند سهم

<sup>۱</sup> Diamir-Bhasha

<sup>۲</sup> Tarbela

آب خود را از دست دهند و بدون اینکه واقعیت را بدانند یکدیگر را محکوم می‌کنند و منافع خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند. در حال حاضر سرانه آب در پاکستان حدود ۱۰۰۰ مترمکعب است که کمبود آب در پاکستان را به وضوح نشان می‌دهد. این کمبود هشدار دهنده به دلیل نگاه سیاسی، سیاست‌های عملی و مقررات رودخانه‌ها در پاکستان است از این‌رو به اعتقاد کارشناسان تنش در استان‌های پاکستان نتیجه کمبود آب نیست بلکه الگوی نامنظم آب و هوا همراه با عدم مدیریت کارآمد منابع آب و نوعی نگرش غیرکارشناسی و سیاست‌های غیرمسئولانه دولت نیز در آن دخیل است.

نیاز مبرم به دسترس بودن آب با ایجاد سدها و مخازن جدید وجود دارد و تنها رودخانه سند و سرشاخه‌های آن که دارای آب مازاد است و سد کالاباغ تنها پروژه بزرگ چند منظوره می‌تواند کمبودها را مرتفع سازند. متأسفانه سد کالاباغ قربانی اختلافات سیاسی سه دهه گذشته است و این موضوع پاکستان را به آستانه جنگ داخلی آب می‌کشانند. سیاست‌ها با ریشه‌های احساسی برای روح فدرالیسم خطرناک است و شکی نیست که منافع ملی باید بیش از ملاحظات محلی و استانی در اولویت قرار گیرد (Khalid, 2013). پاکستان باید شیوه‌های خود را در کشاورزی تغییر دهد و محصولاتی کشت شود که به آب کمتری احتیاج داشته باشد. اگر تمهیدات مناسبی در نظر گرفته نشود و آبیاری از طریق آب شیرین تأمین شود فشار بیشتری بر حجم آب مورد نیاز برای تولید مواد غذایی برای جمعیت رو به افزایش خواهد گذاشت، همین‌طور آلودگی آرسنیک که بوسیله کودهای شیمیایی مصرفی در مزارع استفاده می‌شود در حجم وسیع، آب مصرفی جمعیت رو به رشد پاکستان را تهدید خواهد کرد که تبعات امنیتی به همراه دارد.

این در حالیست که تمام گفتگوها در مورد سدها و پروژه‌های برق آبی هیچ مشکلی از پاکستان حل نکرده است. هند سه رودخانه غربی را در اختیار دارد و می‌تواند از آن بعنوان ابزاری تاکتیکی برای ایجاد مزاحمت پاکستان استفاده کند و ساختارها و ظرفیت‌های ذخیره‌سازی پروژه‌های هند می‌تواند جریان آب برای پاکستان را متوقف کند. با این حال سیاست‌گذاران در کارشان زیاد جدی نیستند که بتوانند این مسئله را فوری حل نمایند.

## نتیجه‌گیری

همانطور که یافته‌های تحقیق نشان داد، پاکستان به رودهای حوضه سند بعنوان کشور پایین دست وابسته است و هند سیاست هژمونیک خود را بعنوان یک کشور بالادستی اعمال می‌نماید. این دو کشور موضوعات ایدئولوژیک خود با سیاست هیدروپلیتیک گره زدند و به همین دلیل همکاری هند و پاکستان برای حل منازعات کارآیی ندارد. با آنکه معاهده ۱۹۶۰ آبی سند نقشه هیدروپلیتیک تقسیم آب بود اما این معاهده مشارکت آب را تشویق نمی‌کند و تنها توانست تنش آبی بین دو کشور مستقل در آن زمان را حل نماید و در برهه‌های هند با زیرپا گذاشتن مفاد آن، پاکستان را تحت فشار شدید قرار داد. باتوجه به فضای متشنج سیاسی بین دو کشور، هند برای کنترل پاکستان از سلاح آب استفاده می‌کند تا بتواند حاکمیت بلامنازع خود را در منطقه آسیای جنوبی تضمین نماید. بدین ترتیب حاکمیت تفکرات هیدروپلیتیکی و همچنین ژئوپلیتیکی مرتبط با آب از طریق دخل و تصرف در استراتژی‌های اقتصادی، انرژی، امنیتی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و ... شکل پیچیده‌ای از بحران و تنش را در روابط بین دو کشور بوجود آورده است که می‌تواند قلمروهای حاکمیتی هند-پاکستان را دستخوش تغییرات اساسی نماید و پیامدهای خشونت‌آمیز مناقشات افراط‌گرایی و تروریستی را به دنبال داشته باشد.

۲۵

با این تفاسیر هیدروپلیتیک حوضه سند حساسیت بسیاری برای دستگاه‌های امنیت ملی هند-پاکستان ایجاد کرده است از این‌رو کنترل منطقه جامو و کشمیر به شدت به حاکمیت مطلق هند یا پاکستان بر سرچشمه‌های رود سند بستگی خواهد داشت و دو کشور با هرگونه توافقات که قدرت رقیب را در منطقه جامو و کشمیر تثبیت کند، مخالف هستند. به نظر می‌رسد بی‌ثباتی و درگیری در روابط هند و پاکستان بطور مستقیم به تصمیم‌گیری‌های هیدروپلیتیکی مرتبط باشد و همانطور که مشخص شد منازعات در کشمیر صرفاً مبنای ایدئولوژیک ندارد و کاملاً به جنگ آب میان هند و پاکستان مرتبط است. از این‌رو حل مناقشات بر توسعه اقتصادی و آگاهی‌های اجتماعی دو کشور درخصوص توانایی برای تامین آب بدون رقابت‌های معمول بستگی خواهد داشت.

## فهرست منابع

فارسی:

- ۱- باقرنیا، نیلوفر (۱۳۹۵)، «همکاری‌های هسته‌ای هند و آمریکا و تأثیر آن بر بحران کشمیر»، همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام.
- ۲- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چ ۱، تهران: پژوهشکده امیرکبیر.
- ۳- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه: عباس کاردان، چ ۲، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- ۴- لشگری تفرشی، احسان (۱۳۹۲)، تعارضات ژئوپلیتیک جهان اسلام و غرب، چ ۱، تهران: انتشارات پاپلی.
- ۵- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- میشل، فوشه (۱۳۹۵)، وسوسه مرزها، ترجمه: سیروس احمدی نوحدانی، چ ۱، تهران: انتشارات پاپلی.
- ۷- میرحیدر، دُرّه (۱۳۸۹)، تحولات پنج دهه اندیشه و جستار در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات پاپلی.
- ۸- وریج کاظمی، مریم (۱۳۹۸)، «ژئوپلیتیک ایالات متحده آمریکا در کشمیر»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.

۲۶ لاتین:

- 9- Adnan, Mubeen (2018). Hydro Politics: A Conflict between Pakistan and India, Journal of Political Studies, Special Issue University of the Punjab, Lahore, Pakistan, <http://pu.edu>.
- 10- Akhtar, Shaheen (2002). Emerging Challenges to the Indus Waters Treaty, Available at: <http://www.irs.org.pk/f310.pdf>.
- 11- Anwar, Iqbal and Khaleeq (2007). World Bank's Baglihar verdict may not end dispute, says expert, Dawn. Feb 10, Available at: <https://www.dawn.com>.
- 12- Bobin, F (2012). Chine et Pakistan se disputant l'eau de l'Himalaya. Available at: [http://www.lemonde.fr/planete/article/2012/03/12/chine-inde-et-pakistan-se-disputent-l-eau-de-l-himalaya\\_1656516\\_3244.html](http://www.lemonde.fr/planete/article/2012/03/12/chine-inde-et-pakistan-se-disputent-l-eau-de-l-himalaya_1656516_3244.html)
- 13- Briscoe, John (2005). Pakistan's water economy: running dry. Washington, DC: World Bank. Available at: <http://documents.worldbank.org/curated/en/989891468059352743/Pakistans-water-economy-running-dry>
- 14- Daly, John (2011). Pakistani Editorial Says Nuclear War with India "Inevitable" as Water Dispute Continues. Available at: <http://oilprice.com/Geopolitics/International/Pakistani-Editorial-Says-Nuclear-War-With-India-Inevitable-As-Water-Dispute-Continues.html>

- 15- Express, Tribune (2012). Pakistan to take dam dispute to world court. Available at: <http://tribune.com.pk/story/315760/nimoo-bazgo-project-pakistan-to-take-dam-dispute-to-world-court/>
- 16- Fruchard, Camenen (2012). Reservoir Sedimentation: Different Type of Flushing – Friendly Flushing Example of Genissiat Dam Flushing. ICOLD International Symposium on Dams for a Changing World, Jun 2012, Kyoto, Japan. 6 p., 2012. Available at: <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-00761305>
- 17- Gilmartin, David (2015). Blood and Water: The Indus River Basin in Modern History. University of California Press. 2015. Pp 206 Available at: <https://www.ucpress.edu/book/9780520355538/blood-and-water>
- 18- Gupta, Joydeep (2016). India Suspends Indus Commissioners' Meetings. India Climate Dialogue. Sep 26, Available at: <https://indiaclimatedialogue.net/2016/09/26/india-suspends-indus-commissioners-meetings/>
- 19- Khalid, I ram (2013). Hydro Politics in Pakistan: Perceptions and Misperceptions. South Asian Studies A Research Journal of South Asian Studies Vol. 28, No. 1, January–June 2013, pp.7-23. [https://www.researchgate.net/publication/344297909\\_Hydro\\_Politics\\_in\\_Pakistan\\_Perceptions\\_and\\_Misperceptions..](https://www.researchgate.net/publication/344297909_Hydro_Politics_in_Pakistan_Perceptions_and_Misperceptions..)
- 20- Kaushik, RK (2016). How Ferozepur Became Ours. Times of India, 19 April. Available at: <https://timesofindia.indiatimes.com/india/how-ferozepur-became-ours/articleshow/469742>
- 21- Mohan, Vishwa (2016). Uri Attack Response: PM Modi To Take Stock of Indus Waters Treaty. NDTV. Sep 26, 2016. Available at: <https://www.ndtv.com/india-news/uri-attack-response-pm-modi-to-take-stock-of-indus-water-treaty-1466307>
- 22- Mustafa, Khalid (2016). Pak-India Talks on Kishenganga and Ratle Hydropower Projects Fail. The News. July 21, 2016. Available at: <https://www.thenews.com.pk/print/136475-Pak-India-talks-on-Kishenganga-and-Ratle-hydropower-projects-fail>
- 23- Naqvi, Feisal (2018). The Kishenganga Conundrum. Dawn. Nov 18, 2018. Available at: <https://www.dawn.com/news/1445800>
- 24- Sattar, Erum (2018). Evolutions of Water Institutions in the Indus Basin: Reflections from the law of the Colorado River. University of Michigan Journal of Law Reform, Volume 51, Issue 4, 2018. Aug 23, 2017 Available at: [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=3023589](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3023589)
- 25- Shahzad, Mirza (2017). Analysis: Indus Commissioners Talks: First Step to Composite Dialogue? Dawn. Mar 20. Available at:

<https://www.hindustantimes.com/india-news/niareleases-2-pakistani-teens-arrested-for-uri-attack/story-T7DdbwAHeGHsTiMhHKazTK.html>

26- Sudheer, Kumar (2012). Indian river systems and pollution. In: Encyclopedia of Earth. Eds. Cutler J. Cleveland (Washington, D.C.: Environmental Information Coalition, National Council for Science and the Environment). Available at: [http://www.eoearth.org/article/Indian\\_river\\_systems\\_and\\_pollution?topic=58075](http://www.eoearth.org/article/Indian_river_systems_and_pollution?topic=58075)

27- The Economist (2011). Unquenchable thirst: A growing rivalry between India, Pakistan and China over the region's great rivers may be threatening South Asia's peace. Available at: <http://www.economist.com/node/21538687>

28- Zafar, Adeel (2017). Imagining Indus: Overcoming Water Insecurity In The Indus Basin. Springer International Publishing. Pp 12-13. Available at: <https://www.springer.com/gp/book/9783319328430>

